

ابعاد پنهان و محورهای سند ۲۰۳۰

۱. بررسی سند دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار

گروه توسعه نظری و مطالعات بنیادین

کد موضوعی: ۲۸۰

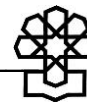
شماره مسلسل: ۱۷۲۵۵

آذرماه ۱۳۹۹

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۶.....	تاریخچه ۲۰۳۰ و سیر تحول تاریخی اسناد توسعه
۹.....	بیانیه هزاره سوم و اهداف توسعه هزاره (توسعه پایدار)
۱۰.....	نتیجه اهداف توسعه هزاره و تولد ۲۰۳۰
۱۱.....	اهداف اصلی ۲۰۳۰
۱۲.....	محورها و موارد مورد تأکید در سند ۲۰۳۰
۱۶.....	چالش‌ها و ابعاد پنهان سند ۲۰۳۰
۱۹.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۰.....	منابع و مآخذ



ابعاد پنهان و محورهای سند ۲۰۳۰

۱. بررسی سند دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار

چکیده

۲۰۳۰ یکی از آخرین نسخه‌های اسناد توسعه است که با توجه به تجربیات شکست‌های پیشین نوشته شده است. رؤسای دولت‌ها، نمایندگان بلندپایه نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی در سال ۲۰۱۵ در مجمع عمومی ملل متحد، دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰ را تصویب کردند، که این دستور جایگزین اهداف توسعه هزاره شد. این سند شامل سه سند رسمی و یک رویه اجرایی در کشور است. اگرچه سند اول ۲۰۳۰ در سپتامبر ۲۰۱۵ یعنی شهریورماه ۱۳۹۴ و سند دوم نیز در آبان‌ماه ۱۳۹۴ به تصویب رسیده و سند سوم که چارچوب اجرایی اقدام ملی برای اجرای ۲۰۳۰ در کشور است نیز در آذرماه ۱۳۹۵ به تصویب رسیده و اقدامات اجرایی ۲۰۳۰ شکل قانونی و رسمی پیدا کرده است و حتی نامه معاون اول رئیس‌جمهور برای اجرای سند از طریق ایجاد ساختار ملی اجرایی ۲۰۳۰ در شهریورماه ۱۳۹۵ ابلاغ شده است، با این حال نخستین اعتراض رسمی به اجرای سند ۲۰۳۰ از سوی بالاترین مقام سیاسی کشور و رهبری نظام در تاریخ ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶ انجام شده است. در واقع تا این تاریخ از سوی مقامات و مسئولان رسمی هیچ‌گونه اعتراض علنی و آشکار به اجرای ۲۰۳۰ ثبت نشده است. سند ۲۰۳۰ به‌عنوان آخرین سند بین‌المللی توسعه و آخرین تلاش سازمان‌های بین‌المللی برای پیگیری الگوهای توسعه در کشورهای در حال توسعه دارای اهداف، محورها و حتی محتوا و مضمونی است که به‌ظاهر با هدف کمک به این کشورها و دستگیری و حمایت از آنها تهیه شده است. با این حال جنبه‌های پنهان سند نشان می‌دهد که نتیجه اجرایی شدن این سند وابستگی هرچه بیشتر کشورهای در حال توسعه، از دست رفتن استقلال اقتصادی، سیاسی و علمی و فرهنگی بدون تحقق عینی و ملموس اهداف وعده داده شده است. این گزارش به‌عنوان نخستین گزارش از مجموعه گزارش‌هایی که با هدف تبیین سند ۲۰۳۰ و بررسی وضعیت اجرایی آن در کشور تهیه شده است با محوریت سند اول ضمن تمرکز بر ابعاد و مؤلفه‌های مختلف سند، جنبه‌های پنهان و پیامدهای ناخواسته اجرای آن را مورد بررسی قرار داده است.

مقدمه

سند ۲۰۳۰ شامل سه سند رسمی و یک رویه اجرایی در کشور است. سند اول که در سال ۲۰۱۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید با نام «دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» است. این دستور کار که جایگزین اهداف توسعه هزاره شده، شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه که در ۶۸ صفحه تنظیم شده است و براساس آنچه سند ۲۰۳۰ مدعی آن است نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم می‌کند.

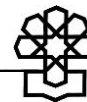
سند دوم سندی است درباره یکی از اهداف هفده‌گانه سند اول یعنی هدف چهارم در حوزه آموزش با نام «بیانیه اینچوئن و چارچوب عمل برای اجرای هدف چهارم». بیانیه اینچوئن کره جنوبی در ۳۴ صفحه و ۱۰۹ بند که توسط کمیته راهبری EFA یونسکو تهیه شده است، سه هدف کلی و هفت هدف جزئی دارد و ابزار اجرایی سند اول را در قالب یا چارچوب عمل برای کشورهای مختلف توضیح داده و جزئیات اجرایی شدن آنها را همراه با سازوکارهایی اجرایی به کشورها توصیه کرده است. در واقع بیانیه اینچوئن سرخ‌ها و رئوس اصلی کار دولت‌ها را ذیل هریک از این اهداف کلی و جزئی مشخص کرده است.

سند سوم با نام «چارچوب اقدام ملی» سند جمهوری اسلامی برای اجرایی شدن ۲۰۳۰ است که در کمیسیون ملی یونسکو در ایران با همکاری وزارتخانه‌های مختلف به‌خصوص آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دو ویرایش تهیه شده است.

رویه اجرایی ۲۰۳۰ نیز مجموعه اقداماتی است که در بخش‌هایی از وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری، سازمان محیط زیست و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قبل از مخالفت رهبر انقلاب با اجرایی شدن این سند، اجرایی شده یا مقدمات اجرایی شدن آنها و بسته‌های اجرایی آنها تدوین شده است. بخشی از اقدامات نیز علی‌رغم مخالفت‌ها و اعلام رسمی پایان اجرایی شدن ۲۰۳۰ در کشور همچنان با عناوین مختلف ادامه یافته است.

اگرچه سند اول ۲۰۳۰ در سپتامبر ۲۰۱۵ یعنی شهریورماه ۱۳۹۴ به تصویب رسیده و سند دوم نیز در آبان‌ماه ۱۳۹۴ به تصویب رسیده و سند سوم که چارچوب اجرایی اقدام ملی برای اجرای ۲۰۳۰ در کشور است نیز در آذرماه ۱۳۹۵ به تصویب رسیده و اقدامات اجرایی ۲۰۳۰ شکل قانونی و رسمی پیدا کرده است و حتی نامه معاون اول رئیس‌جمهور برای اجرای سند از طریق ایجاد ساختار ملی اجرایی ۲۰۳۰ در شهریورماه ۱۳۹۵ ابلاغ شده است، با این حال نخستین اعتراض رسمی به اجرای سند ۲۰۳۰ از سوی بالاترین مقام سیاسی کشور و رهبری نظام در تاریخ ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶ انجام شده است. در واقع تا این تاریخ از سوی مقامات و مسئولان رسمی هیچ‌گونه اعتراض علنی و آشکار به اجرای ۲۰۳۰ ثبت نشده است. رهبر انقلاب در این تاریخ در خصوص سند ۲۰۳۰ می‌فرماید:

«یک مسئله دیگر هم من اینجا عرض بکنم: این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرف‌ها،



اینها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار اینها بدهد و تسلیم اینها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه به اصطلاح بین‌المللی‌ای - که قطعاً تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ دنیا است - این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدن‌های مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است. اگر چنانچه با اصل کار شما نمی‌توانید مخالفت بکنید، حداقلش این است که بایستید بگویید جمهوری اسلامی خودش مشی دارد، خط‌و‌ربط دارد، ما سندهای بالادستی داریم، ما می‌دانیم باید در زمینه‌های آموزش، پرورش، اخلاق، سبک زندگی چه کار کنیم؛ احتیاج به این سند وجود ندارد. اینکه ما برویم سند را امضا کنیم و بعد هم بیاییم شروع کنیم بی‌سروصدا اجرائی کردن، نخیر، این اصلاً مطلقاً مجاز نیست؛ ما اعلام هم کرده‌ایم به دستگاه‌های مسئول. بنده از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم گله‌مند هستم؛ آنها باید مراقبت می‌کردند، نباید اجازه می‌دادند این کار تا اینجا پیش بیاید که ناچار بشویم ما جلوی آن را بگیریم و ما وارد قضیه بشویم. اینجا جمهوری اسلامی است؛ اینجا، مبنا اسلام است، مبنا قرآن است؛ اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب ویرانگر فاسد غربی بتواند در اینجا این جور اعمال نفوذ کند. البته متأسفانه اعمال نفوذ دارند می‌کنند و از طرق مختلف وارد می‌شوند اما [اینکه] این جور به‌طور رسمی سند به ما بدهند که «تا پانزده سال دیگر باید شما این جوری بکنید، این جوری بکنید»، ما هم بگوییم بله، معنا ندارد این کار». (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۶)

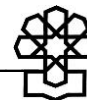
یک ماه بعد در تاریخ ۱۷ خردادماه ۱۳۹۶ در دیدار با دانشجویان، رهبر انقلاب بار دیگر نسبت به مسئله استقلال کشور و نقض آن توسط سند ۲۰۳۰ هشدار می‌دهند «مسئله «استقلال» هم که من گفتم، خیلی مهم است. حالا همین مسئله ۲۰۳۰ - این قضیه سند ۲۰۳۰ - از همین قبیل است؛ این مسئله استقلال است. حالا بعضی‌ها می‌آیند می‌گویند آقا، مثلاً فرض کنیم ما تحقق داده‌ایم یا گفته‌ایم فلان چیزش را قبول نداریم؛ نه، بحث سر اینها نیست. فرض کنیم در این سند، هیچ‌چیز واضح بینی هم که مخالف با اسلام باشد وجود نداشته باشد - که البته وجود دارد؛ آنهایی که خیال می‌کنند ما گزارش درست نگرفته‌ایم؛ نه، گزارش‌های ما گزارش‌های درستی است - حرف من این است که نظام آموزشی کشور نباید بیرون کشور نوشته بشود؛ حرف من این است. شما می‌گویید این مثلاً فرض کنید خلاف اسلام ندارد؛ داشته باشد یا نداشته باشد، اینجا ایران است، اینجا جمهوری اسلامی است، اینجا یک ملت بزرگند. نظام آموزشی ما را چهار نفر در یونسکو یا سازمان ملل یا فلان جا بنشینند بنویسند؟ چرا؟ این همان مسئله استقلال است. استقلال ابعادش تا اینجاها است». (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶)

چهارده روز بعد ایشان بار دیگر و این بار در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ضرورت تبیین مسئله ۲۰۳۰ و ابعاد و پیامدهای خطرناک آن را یادآوری می‌کنند. «مسئله تبیین؛ یکی از کارهای اساتید، مسئله تبیین است... ما یک چیزی راجع به این سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش گفتیم، خب حرف‌های گوناگونی هم اطرافش زده شد. این مسئله، خیلی مسئله مهمی است؛ ...»

این جزئی از یک سند بالادستی سازمان ملل - سند توسعه پایدار - است که یک بخش آن همین سند ۲۰۳۰ مربوط به آموزش و پرورش است. در واقع آنچه اینها در این سند توسعه پایدار - که از جمله این سند ۲۰۳۰ [در آن] هست - طراحی دارند می‌کنند و دست‌اندرکار هستند، این است که یک منظومه فکری و فرهنگی و عملی برای همه دنیا دارند جعل می‌کنند. این را چه کسی می‌کند؟ دست‌هایی پشت سازمان ملل وجود دارد؛ یونسکو اینجا یک وسیله است، یک ویت‌ترین است؛ دست‌هایی نشست‌اند، دارند برای همه چیز کشورهای دنیا و همه ملت‌ها یک منظومه تولید می‌کنند؛ منظومه‌ای که شامل فکر است، شامل فرهنگ است، شامل عمل است و این را دارند ارائه می‌دهند و ملت‌ها باید همه برطبق این، عمل کنند. یک بخش آن هم بخش آموزش و پرورش است که همین سند ۲۰۳۰ است. خب این غلط است؛ این غلط است؛ اصلاً این معیوب است؛ این حرکت، حرکت معیوبی است. چرا؟ چه کسانی هستند اینهایی که دارند سند توسعه پایدار را فراهم می‌کنند؟ چه حقی دارند که درباره کشورها، درباره ملت‌ها، درباره سنت‌هایشان، درباره عقایدشان، اظهار نظر کنند که باید این‌جوری کنید، باید آن‌جوری کنید؛ همه اینها هم «باید» است. اینکه می‌گویند الزام نیست، این سطحی‌نگری است؛ نخیر، در واقع، همه اینها الزام است، و هر کدام از اینها که تحقق پیدا نکند، بعد به‌عنوان یک نقطه منفی به حساب خواهد آمد که «در فلان جدول، ته جدول قرار می‌گیرید؛ فلان امتیاز از شما سلب می‌شود!» همه اینها این‌جوری است؛ در واقع همه اینها «باید» است، ولو در ظاهرش «باید» نباشد. چه لزومی دارد؟ خب ما از چند سال قبل از این آمدیم گفتیم «الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت»؛ بنده کلمه توسعه را هم عمداً به کار نبردم. آقایانی که مسئول این کار هستند و از آن وقت ما با اینها ارتباط داریم، می‌دانند؛ بنده عمداً گفتم کلمه توسعه را من به کار نمی‌برم، چون کلمه توسعه یک کلمه غربی است؛ یک مفهوم غربی دارد؛ من کلمه پیشرفت را به کار می‌برم؛ الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی. خب این الگو را بگردیم پیدا کنیم! چرا باید برای پیشرفت ما، دست‌های غربی الگو بدهند به صورت همین سند توسعه پایدار یا ۲۰۳۰ و امثال اینها؟ اینها کار کیست؟ کار شماها است، کار دانشگاه‌ها است، کار اساتید است».

(بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۶)

شاید کمتر موردی باشد که در فاصله زمانی کمتر از دو ماه تا این حد موجب هشدار و مطالبه رهبری در خصوص موضوعی شده باشد. هشدارهای ایشان در خصوص اجرای سند ۲۰۳۰ پس از سال ۱۳۹۶ در سال‌های دیگر نیز هر بار در دیدار با معلمان و مسئولان آموزش و پرورش تکرار شده و در مجموع ۶ بار از سال ۱۳۹۶ نسبت به اجرایی شدن سند ۲۰۳۰ و خطرات آن هشدار داده‌اند. این موارد

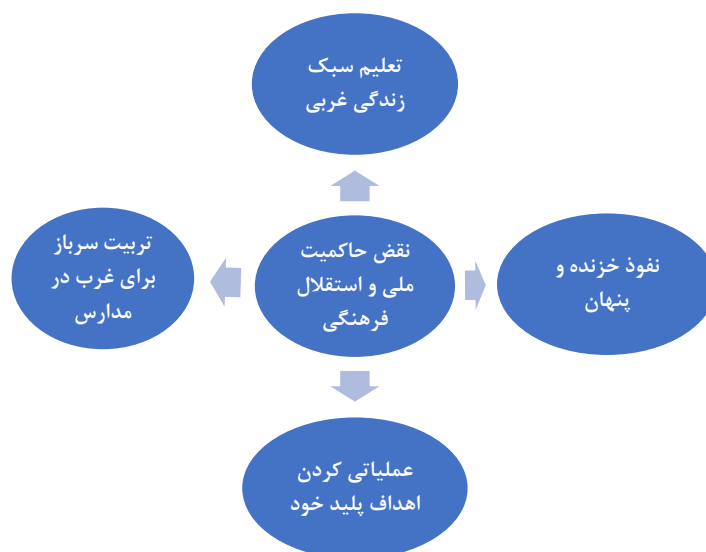


شامل بیانات در دیدار با معلمان در تاریخ ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷،^۱ بیانات در دیدار با معلمان در ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ و آخرین بار در بیانات خود در ارتباط تصویری با معلمان و مسئولان آموزش و پرورش در تاریخ ۱۱ شهریورماه ۱۳۹۹.^۲ محور سخنان ایشان و هشدارها و تذکراتی که در خصوص اجرای سند ۲۰۳۰ داشته‌اند را می‌توان به شکل زیر نشان داد:

۱. «و آخرین مسئله در این بخش از عرایض من، مسئله سند انحرافی ۲۰۳۰ است. سال گذشته (۸) بنده رسماً علناً قاطعاً منع کردم از اینکه این کار انجام بگیرد؛ مسئولین آموزش و پرورش استقبال کردند، دنبال کردند؛ منتها بنده شنیده‌ام در بخش‌های مختلفی، اجزای سند ۲۰۳۰ دارد تحقق پیدا می‌کند؛ این معنایش این است که اختیار مهم‌ترین مسئله کشور در دست دیگران باشد. غیر از این محتوای ۲۰۳۰ - که در آن البته مسائل انحرافی وجود دارد که تردیدی در آن نیست - که اگر همه آن هم درست بود، معنا نداشت که یک کشوری مثل ایران، با این فرهنگ، با این سابقه، با این نظام مقتدر و عزیز اسلامی، برنامه‌های آموزش و پرورش خود را و سند آموزش خود و پرورش خود را از دیگری که نشسته‌اند و با اغراض گوناگون - حالا یا اغراض سیاسی یا اغراض گوناگون فاسد دیگر - یک چیزی تهیه کردند، از آنها بگیرد؛ چنین چیزی معنی ندارد. (۹) خدا خیرتان بدهد؛ خب راهش این است که هم نمیرید، هم ۲۰۳۰ را نپذیرید؛ بهترش این است!

۲. عزیزان من! درست توجه کنید؛ مخصوصاً مسئولین عزیز و محترمی که تشریف دارند، توجه کنند. اینجا است که اهمیت سند ۲۰۳۰ معلوم می‌شود. لب کلام و جان کلام در این سند ۲۰۳۰ که فصل مهمی مربوط به آموزش و پرورش دارد، این است که نظام آموزشی باید سبک زندگی را و فلسفه حیات را براساس مبانی غربی به کودک بیاموزد؛ این آن لب کلام در سند ۲۰۳۰ است. یعنی چه؟ یعنی جنابعلی، انسان متدین و علاقه‌مند به کشورتان، علاقه‌مند به آینده‌تان، در کلاس درس‌تان سرباز برای غرب درست کنید. (۲) این که روی سند ۲۰۳۰ این قدر اصرار دارند و کار می‌کنند، آشکار و غیرآشکار سعی می‌کنند این را تحکیم کنند بر مناسبات کشورها از جمله کشور ما، این معنایش این است؛ چون دستورات و توصیه‌ها و نکات اصلی موجود در این سند برای آموزش و پرورش این است که آموزش و پرورش باید جوهری مناسبات فکری شاگردان را تنظیم کند که فلسفه زندگی‌شان، اساس زندگی‌شان، مفهوم حیات در نظرشان، طیف تفکر غربی باشد. همین که عرض کردم؛ شما اینجا بنشینید سرباز درست کنید برای انگلیس و فرانسه و آمریکا و بقیه این وحشی‌های کراوات‌زده‌ی ادکلن‌زده‌ی ظاهرسان؛ همین‌هایی که آدم می‌کشند بدون اینکه خم به ابرو بیاورند، به آدمکش کمک می‌کنند بدون اینکه خم به ابرو بیاورند؛ می‌گویند آقا چرا شما به سعودی کمک می‌کنید؟ می‌گویند ما به پولش احتیاج داریم؛ می‌دانند که در یمن چه کار دارد می‌کند، در عین حال کمکش می‌کنند. اینها بنشینند آنجا، ما برای اینها در ایران و در کشورهای آسیا و غرب آسیا و کشورهای اسلامی و مانند اینها، سرباز و پشتیبان و رعیت تربیت کنیم؛ [سند] ۲۰۳۰ این است.

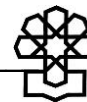
۳. نکته پایانی‌ای که من بخواهم عرض بکنم این است که فکر کنیم چرا این قدر طواغیت عالم و فراعنه عالم به فکرند و اصرار دارند که در آموزش و پرورش کشورها نفوذ پیدا کنند؛ روی این یک قدری باید تأمل کرد. [این نفوذ] گاهی اوقات با سروصدا مثل سند ۲۰۳۰ است که سروصدایش دنیا را گرفت که برای همه هم هست. این به معنای نفوذ فرهنگ و سبک زندگی غربی و اهداف غربی در همه کشورهای دنیا است. چرا؟ به چه دلیل؟ چرا باید یک کشوری مثل کشور ما با این فرهنگ ریشه‌دار و عمیق و فرهنگ الهی و ایمانی، فرهنگ برجسته درخشان ایرانی تحت تأثیر تعلیمات کسانی که تمدنشان و فرهنگشان یک چیز جدید و مادی و غلط و شکست‌خورده است [قرار بگیرد؟] امروز فلسفه اجتماعی غرب در خود غرب شکست‌خورده است؛ خب ببینید چه خبر است! آن روز من راجع به آمریکا گفتم. (۸) در آمریکا از هالیوود تا پنتاگون - یعنی فاصله هالیوود و پنتاگون را در نظر بگیرید - همه جا فساد هست؛ هم آنجا، هم اینجا، چرا بایستی فرهنگ یک کشوری مثل کشور اسلامی ایران و یا کشورهای اسلامی و شاید بعضی کشورهای دیگر در دنیا تحت تأثیر یک سندی قرار بگیرد که آدم‌های این تمدن‌ها، این کشورها، جوامع فاسد و غلط آن را تنظیم کرده‌اند؟ بنابراین به این توجه داشته باشید که نفوذ آنها و اصرارشان بر نفوذ به‌خاطر تأثیر آموزش و پرورش است؛ به‌خاطر این است که اینها کارهایی را که به‌وسیله نظامی به‌آسانی نمی‌توانند انجام بدهند، به این وسیله می‌توانند انجام بدهند؛ یک جایی و در یک مواردی با یک وسیله عمومی مثل همین سند ۲۰۳۰؛ که متأسفانه در کشور ما هم به آن توجه شد، الان هم شنیده‌ام گوشه‌کنار بعضی از اجزای این سند همین طور به‌وسیله بعضی آدم‌های ناباب یا غافل دارد اجرا می‌شود و دنبال می‌شود - و این را خواهش می‌کنم آقای وزیر به‌طور جد دنبال کنند - چه مثل نفوذ در آموزش و پرورش بعضی از کشورهای منطقه که ما خبر داریم بی‌سروصدا و بدون هیاهو دارند کتاب‌های درسی را، وضع معلمین را، آموزش‌ها را [تغییر می‌دهند]، افرادی را جدا می‌کنند از بین مجموعه و می‌برند در کشورهای خودشان یک چند صباح تربیت می‌کنند برمی‌گردانند. در آموزش و پرورش می‌خواهند نفوذ پیدا کنند. این به نظر من خیلی مهم است. لازم است که یک حساسیتی در زمینه نفوذ دشمن همه پیدا کنند، همه [حساسیت] داشته باشند و مراقب باشند. او اصرار دارد به نفوذ؛ شما باید بدانید او چرا اصرار دارد. او با این نفوذ می‌خواهد مقاصد خودش را، اهداف پلید خودش را عملیاتی کند و آدم‌هایی درست کند که مثل او فکر کنند؛ بنابراین فرض کنید او که می‌خواهد یک کشوری را غارت کند، وقتی در داخل کشور کسانی بودند که با این غارت موافق بودند، با او هم‌فکر بودند، این غارت به‌راحتی و آسانی انجام می‌گیرد، و به هر حال بایستی به این معنا توجه کرد.



اما سند ۲۰۳۰ چیست و چه ابعاد و مؤلفه‌هایی دارد و چرا حوزه آموزش در آن تا این حد اهمیت دارد؟ شناخت ۲۰۳۰ نیازمند شناخت ریشه‌های تاریخی و سیر تحول تاریخی اسناد توسعه در جهان است. در این گزارش با تمرکز بر سند اول ابعاد و جنبه‌های مختلف این سند بررسی می‌شود و در گزارش‌های بعدی اسناد دیگر مرتبط با سند اول بررسی خواهد شد.

تاریخچه ۲۰۳۰ و سیر تحول تاریخی اسناد توسعه

بدون شک پیشینه دور ۲۰۳۰ به آغاز دوره تجدد و شکل‌گیری آن و خوش‌بینی و خوش‌خیالی فیلسوفان عصر روشنگری و جامعه‌شناسان نخستین در خصوص فراگیری و جهان‌شمولی غیرارادی تجدد بر می‌گردد. بیشتر فیلسوفان و جامعه‌شناسان اولیه همراه و همگام با روشنگری بر این باور بودند که تجدد دارای نیروی غیر قابل مقاومت است و در اندک زمانی تمام مرزهای کشورهای در اقصی نقاط جهان را در خواهد نوردید. هیچ‌کس را یارای مقاومت در مقابل وسوسه مدرنیته و جهان مدرن نخواهد بود. حتی آن اندیشمندانی که با سویه‌های تاریک و بحرانی جهان مدرن مخالف بودند و با آن مبارزه می‌کردند بر این باور بودند که نیروی تجدد غیرقابل بازگشت است. در نتیجه «شاخصه عقلانی» پیشرفت و توقف‌ناپذیر بودن تاریخ و غیرقابل برگشت بودن آن «سه ویژگی اساسی مدرنیته و مدرنیسم است» (آشتیانی، ۱۳۹۲) «تجدد در مقطع ابتدایی و در کشورهای غربی، شکل خاصی داشته و اصولاً بدون برنامه‌ریزی بود. از این حیث این کشورها برخلاف کشورهای جهان سوم، به صورت خودجوش و بدون وجود هدایتگر خاصی به پیش می‌رفتند... از حدود دهه ۴۰ تا ۵۰ قرن بیستم به بعد، مسئله توسعه و نظریه‌پردازی آن طرح گردید. اما در همان دهه، رفته‌رفته مشخص گردید که بخشی از جهان به سمت مقرر و موردنظر غرب



به لحاظ تاریخی، حرکت نمی‌کند. در صورتی که فرض بر آن بود که جهان سوم، سنت‌ها و فرهنگ خود را رها نموده و به سمت مورد نظر غرب برود و ساختارهای اجتماعی شبیه به غرب را به خود بگیرد، اما در عمل آن اتفاق نیفتاد و به نظر نمی‌رسد که بعد از آن هم این اتفاق بیفتد. لذا در این مقطع از تاریخ بود که نادرستی و اشکال تئوری‌های غربی مشخص گردید. بنابراین متفکرین غربی نتیجه گرفتند که باید به جهان سوم برای طی این مسیر تاریخی کمک نمود. چراکه اگر تحولات تاریخی این کشورها را به فرایندهای طبیعی درون جامعه‌شان احاله می‌کردند، نیاز به زمان زیادی برای طی این مسیر بود و یا ممکن بود به دلیل وجود موانعی این اتفاق نیفتد. لذا با تجدیدنظر در نگاه تاریخی و وارد نمودن عنصر اراده‌گرایی به این نتیجه رسیدند که از طریق مداخلات آگاهانه خود، مسیر این کشورها را به سمت وضعیت مطلوب تاریخی مورد نظر خود، جهت‌دهی نمایند. در این زمان برای اولین بار، مفهوم توسعه و مفهوم کشورهای عقب‌مانده، به وسیله ترومن رئیس‌جمهور آمریکا ابداع گردید. البته تا قبل از آن، بخشی از حوزه اقتصاد به‌عنوان اقتصاد استعماری، کار اداره کشورهای تحت استعمار را انجام می‌داد. اما از این مقطع که در آن، کشورهای جهان سوم نیز از لحاظ سیاسی، حداقل به شکل صوری استقلال پیدا می‌کردند، بحث توسعه و به‌مرور برنامه‌ریزی‌های توسعه پیش می‌آید». (کچویان، ۱۳۹۰)

تحت تأثیر چنین دیدگاهی و با محوریت ایالات متحده دو طرح در جهان اجرایی شد. نخستین آن طرح مارشال بود. این طرح به‌عنوان یکی از موفق‌ترین پروژه‌های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم با عنوان کمک به کشورهای صدمه‌دیده از جنگ مطرح شد. طرح مارشال در دهه ۱۹۶۰ با انگیزه‌هایی سیاسی - اقتصادی طرح گردیده و اهدافی مانند: افزایش کارایی و عدالت، فقرزدایی، حقوق بشر را در خود داشت، در این دهه کشورهای متعددی به طرح مارشال پیوستند. در نهایت طرح به ابزاری جهت استثمار کشورهای جهان سوم و گسترش فقر و عقب‌ماندگی بدل شد. طرح دوم به اصل چهار ترومن مشهور شد. رئیس‌جمهور آمریکا، ترومن، در سال ۱۹۴۸ مبنای سیاست خارجی خود را که قرار بود در سه دهه متوالی دنبال شود، در چهار اصل مهم بیان کرد که عبارت بود از:

- حمایت از جامعه ملل و برنامه تجدید حیات اروپا
 - کمک‌های نظامی و دفاعی به کشورهای توسعه‌نیافته
 - اجرای برنامه برای رشد صنعتی و پیشرفته کشورهای توسعه‌نیافته
 - اجرای برنامه برای رشد علمی کشورهای توسعه‌نیافته
- اصل چهار ترومن در کشورهای مختلف صورت‌های متفاوتی به خود گرفت. هدف اعلام شده این برنامه در ایران عبارت بود از:

- بهبود وضع زندگی از طریق ازدیاد فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی مردمی که در روستاها زندگی

می‌کردند

برای رسیدن به این هدف فعالیت‌هایی تعریف شد:

- فعالیت‌های فرهنگی (در زمینه آموزش در سطوح دانش‌آموزان و معلمان ...)

- فعالیت‌های بهداشتی (کمک به بهداشت عمومی و آموزش پزشکان و...)

- فعالیت‌های کشاورزی و عمران

با این حال اهداف واقعی اجرای اصل چهار ترومن در ایران نه تنها به اهداف اعلام شده ارتباطی نداشت، بلکه به صورت مستقیم تأمین‌کننده منافع ایالات متحده بود. این اهداف عبارت بودند از:

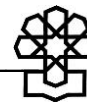
- جلوگیری از نفوذ کمونیسم در ایران

- تأمین بازاری مطمئن برای محصولات آمریکایی

- استفاده از منافع نفتی و موقعیت راهبردی ایران

بنابراین «اشکال مختلفی از نظریه‌پردازی در مراحل مختلف بسط و گسترش غرب در جهان وجود داشته است. در مرحله اول و در قرن ۱۸، نظریات به صورت نظریه استعمار بوده و اصولاً توسعه مفهوم اقتصادی داشت و در آن تنها اداره اقتصادی کشورهای دیگر مطرح بود. در آن زمان تصور متفکرین غربی آن بود که مأموریت تاریخی غرب انتقال تمدن به اقوام وحشی و انسان نمودن آنهاست. اما در مرحله‌های بعد از آن، نظریه امپریالیسم و سپس نظریه‌های توسعه مطرح گشت ... در واقع نظریه‌های توسعه، یک شکل انسانی به اقداماتی می‌داد که در مراحل قبلی قصد انجام آن وجود داشت. در مرحله اول، دخل و تصرفی در کشورهای جهان سوم انجام نمی‌شد و تنها با تعیین یک فرمانداری نظامی، ثروت‌ها و مواد خام ایشان از طریق یک خط تجاری به کشورهای غربی انتقال می‌یافت. در نتیجه نیاز به ورود در عرصه پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی آن کشورها نبود. ولی در مرحله نظریه‌پردازی توسعه به منظور سلطه غرب بر جهان، نیاز به برقراری پیوندهای ساختاری پیچیده‌تری میان این کشورها و اقتصادهای غربی به وجود می‌آید. چراکه به دلیل بروز مبارزات استقلال‌طلبانه، امکان اداره و کنترل این کشورها از طریق قدرت نظامی از بین رفت. لذا نیاز به ابداع سازوکار جدیدی، همچون نظریه‌های توسعه، به وجود آمد.» (کچویان، ۱۳۹۲)

در نتیجه این تحولات دوره‌های مختلفی از نظریه‌پردازی توسعه شکل گرفت. «فرایند توسعه از مرحله نظریه‌پردازی توسعه به بعد، چند مقطع را طی نمود و علی‌رغم عدم موفقیت دنبال گشت. .. در مقطع اول و یا به تعبیری مرحله توسعه اقتصادی، توسعه با مفهوم رشد تلقی می‌گردید. در این مقطع با الگوگیری دقیق از کشورهای غربی و اقتصادشان، الگوهای برون‌زای توسعه وارد برنامه این کشورها گشت. چراکه در ابتدا تصور بر این بود که می‌توان از طریق وارد نمودن صنعت و سرمایه به توسعه کمک نموده و از این طریق تحرکی در حالت راکد و عقب‌مانده آنها پدید آورد. در مقطع دوم، تصور نظریه‌ها بر این بود که می‌بایست متناسب با توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی نیز به عنوان مکمل مطرح گردد. لذا دهه ۶۰، دهه توسعه سیاسی همراه با توسعه اقتصادی بود. چراکه هدف اصلی در مقطع اول آن بود که ساختارهای موجود در این کشورها را به نحوی در ساختارهای اقتصاد غربی ادغام نمایند که آنها نتوانند استقلال یافته و روی پای خود بایستند و بدین ترتیب از مدار سلطه غربی خارج نشوند. همچنین به دلیل



شکل‌گیری یک مجموعه انقلاب‌های مارکسیستی در دهه ۵۰-۶۰ در کل دنیا، در آن مقطع هدف آن بود که از طریق انجام اصلاحاتی در این کشورها، ظرفیت و بستر مناسب برای حرکت‌های انقلابی مارکسیستی، از میان برود. در این راستا طرح کندی در ایران، تبدیل به «انقلاب سفید» و در آمریکای لاتین، تبدیل به «اتحاد برای پیشرفت» گردید. در مقطع بعد از توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی مطرح شد. به دلیل شکست برنامه‌های توسعه، نظریه‌پردازان توسعه با این سؤال مواجه گشتند که چرا این کشورها با وجود پیاده گشتن این برنامه‌ها، توسعه پیدا نکرده‌اند؟ بنابراین نظریه‌ای شکل گرفت که در واقع آخرین ضربه‌های ساختاری، اجتماعی و فرهنگی را بر جهان سوم وارد آورد. مطابق آن نظریه، عدم توسعه در این کشورها به دلیل وجود موانع فرهنگی و از آن جمله مهم‌ترین آنها مسئله دین می‌باشد. لذا برای توسعه‌یافتگی باید ذهنیت‌ها، رفتارها و روحیات خاصی در این کشورها بدین منظور به وجود بیاید. از این دوره به بعد، انواع مختلف نظریه‌پردازی‌های توسعه همچون توسعه پایدار و توسعه سبز و... براساس نیازهای اساسی مطرح گردید». (کچویان، ۱۳۹۲)

بیانیه هزاره سوم و اهداف توسعه هزاره (توسعه پایدار)

آخرین تلاش برای برنامه‌ریزی جهت توسعه جهان قبل از ۲۰۳۰ سند اهداف توسعه هزاره است. اعلامیه هزاره سوم سال ۲۰۰۰، براساس کنفرانس‌های سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ به وجود آمد. این اعلامیه شامل هشت آرمان و ۱۸ هدف بود. این آرمان‌ها که در سال ۲۰۰۰ در سازمان ملل بر سر آنها توافق شد بایستی تا سال ۲۰۱۵ تأمین می‌شدند. به عبارت دیگر مقرر شد طبق توافقات انجام شده، کشورهای امضاکننده این سند طی یک دوره ۲۵ ساله یعنی از سال ۱۹۹۰ (به‌عنوان سال پایه) تا ۲۰۱۵ به این اهداف دست پیدا کنند، ایران نیز جزو این کشورها و این توافق بود.

آرمان‌ها عبارت بودند از:

- ریشه‌کن کردن فقر شدید و گرسنگی
 - دستیابی همگانی به آموزش ابتدایی
 - بهبود برابری جنسیتی و توانمندی زنان
 - کاهش مرگ‌ومیر کودکان
 - بهبود سلامت مادران
 - مبارزه با ایدز و مالاریا و سایر بیماری‌های مختل‌کننده دستگاه ایمنی انسان
 - تضمین پایداری محیط زیست
 - گسترش مشارکت جهانی برای توسعه
- برای هر یک از این اهداف، وضعیت‌های مطلوب کمی نیز تعیین شده بود. کاهش گرسنگی و فقر

شدید به نصف. ۱/۲ میلیارد نفر هنوز با درآمد کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند، اما ۴۳ کشور، با بیش از ۶۰ درصد جمعیت جهان، تاکنون به هدف کاهش تعداد گرسنگان خود به نصف تا سال ۲۰۱۵، رسیده یا در مسیر رسیدن به این هدف قرار دارند.

دستیابی به آموزش ابتدایی همگانی. اگرچه ۱۱۳ میلیون کودک به مدرسه نمی‌روند، اما این هدف قابل تحقق است؛ برای مثال ۹۵ درصد کودکان هندی تا سال ۲۰۰۵ به مدرسه خواهند رفت.

توانمندسازی زنان و حمایت از برابری زنان و مردان. زنان دوسوم بی‌سوادان جهان را تشکیل می‌دهند و ۸۰ درصد آوارگان دنیا زن و کودک هستند. از زمان تشکیل «اجلاس اعتبارهای خرد» در سال ۱۹۹۷، در زمینه برقراری ارتباط با زنان فقیر و توانمندسازی آنان (نزدیک به ۱۹ میلیون نفر از آنان تنها در سال ۲۰۰۰) پیشرفت‌هایی حاصل شده است.

کاهش میزان مرگ‌ومیر کودکان کمتر از پنج سال به دوسوم. در حال حاضر هر سال یازده میلیون کودک زیر پنج سال می‌میرند، اما این رقم در سال ۱۹۸۰ پانزده میلیون نفر بود.

کاهش میزان مرگ‌ومیر زنان در هنگام زایمان به سه‌چهارم. در کشورهای در حال توسعه خطر مرگ در هنگام زایمان یک نفر در ۴۸ نفر است، اما تقریباً همه کشورها اکنون برنامه‌هایی برای سلامت زنان در دوران حاملگی و هنگام زایمان دارند و در مسیر پیشرفت در این زمینه هستند.

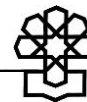
جلوگیری از گسترش بیماری‌ها، به‌خصوص ایدز و مالاریا. بیماری‌های کشنده نسلی را از دستاوردهای توسعه محروم کرده‌اند. کشورهایی مانند برزیل، سنگال، تایلند و اوگاندا نشان داده‌اند که می‌توانیم جلوی گسترش ویروس بیماری ایدز (اچ‌آی‌وی) را بگیریم.

تضمین امکان تداوم از نظر محیط زیست. بیش از یک میلیارد نفر هنوز از دسترسی به آب آشامیدنی سالم محروم هستند، اگرچه در طول دهه ۱۹۹۰ تقریباً یک میلیارد نفر به آب سالم و بهداشت همگانی و امکان دفع بهداشتی فاضلاب دسترسی یافتند.

ایجاد مشارکتی جهانی برای توسعه، با هدف‌هایی برای کمک، تجارت و کاهش بدهی. تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه بیشتر از آنچه برای خدمات اجتماعی کشورشان خرج کنند بابت بهره و خدمات مربوط به بدهی‌های خود می‌پردازند. تعهدات جدید بدهی فقط مربوط به نیمه نخست سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ هر سال ۱۲ میلیارد دلار دیگر به بدهی کشورهای بدهکار می‌افزاید.

نتیجه اهداف توسعه هزاره و تولد ۲۰۳۰

علی‌رغم تعیین اهداف کمی برای برنامه توسعه هزاره، برنامه توسعه هزاره نیز به نتیجه مطلوب نرسید، اما برنامه‌ریزان را در مقیاس جهانی به نقطه جدیدی از ایده‌پردازی راهنمایی کرد: برای اینکه جوامع با برنامه‌های توسعه همراه باشند بایستی این برنامه‌ها مطابق با اهداف و آرمان‌های این جوامع و به زبان آنها باشد.



تولد ۲۰۳۰

در چنین شرایط تاریخی و با چنین تجربیاتی ۲۰۳۰ متولد شد. از این جهت ۲۰۳۰ یکی از کامل‌ترین و پیشرفته‌ترین اسناد توسعه است که با توجه به تجربیات شکست‌های پیشین نوشته شده است. رؤسای دولت‌ها، نمایندگان بلندپایه نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی در سال ۲۰۱۵ در مجمع عمومی ملل متحد، دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰ را تصویب کردند، که این دستور جایگزین اهداف توسعه هزاره شد. ۲۰۳۰ شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است که نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایدار برای ۱۵ سال آینده ترسیم می‌کند.

۲۰۳۰ همه اهداف و مقاصد اسناد پیشین را به‌همراه اهداف جدید و با الهام از تجربیات گذشته در نظر گرفته و تلاش کرده با تأکید و تمرکز بر ضمانت اجرایی، اجرای آن را تضمین کند.

اهداف اصلی ۲۰۳۰

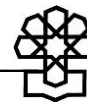
- پایان دادن به فقر در همه اشکال آن و در همه جا
- پایان دادن به گرسنگی، تحقق امنیت غذایی و تغذیه بهتر و توسعه کشاورزی پایدار
- تضمین یک زندگی توأم با سلامت و ترویج رفاه برای همه و در تمامی سنین
- تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه
- دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران
- تضمین دسترسی به آب و مدیریت پایدار آب و بهداشت برای همه
- تضمین دسترسی به منابع انرژی مقرون به‌صرفه، مطمئن و پایدار
- ترویج رشد اقتصادی ماندگار، فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و بهره‌ور و اشتغال شرافتمندانه برای همه
- ساختن زیربنای مقاومتی، ترویج صنعتی‌سازی پایدار و فراگیر، ترویج نوآوری کاهش نابرابری در درون و در میان کشورها
- تبدیل شهرها و سکونتگاه‌های انسانی به مکان‌های همه شمول، امن، مقاوم و پایدار
- تضمین الگوهای پایدار تولید و مصرف
- اقدام عاجل برای رویارویی با تغییر اقلیم و آثار آن
- حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی برای توسعه پایدار
- پاسداشت، احیا و ترویج استفاده پایدار از بوم‌سازگان‌های زمینی، مدیریت پایدار جنگل‌ها و مبارزه با بیابان‌زایی و توقف و معکوس‌سازی روند تخریب زمین و همچنین متوقف ساختن تخریب تنوع زیستی
- ترویج جوامع صلح‌جو و فراگیر برای توسعه پایدار، برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد مؤسسات مؤثر، پاسخگو و فراگیر در همه سطوح

- تقویت ابزار اجرا و احیای همکاری‌های جهانی برای تحقق توسعه پایدار این اهداف در قالب سند اول با نام دگرگون ساختن جهان ما، دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار تنظیم شده و مورد موافقت همه کشورهای جهان قرار گرفته است. این دستور کار که جایگزین اهداف توسعه هزاره شد، شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است که نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم می‌کند. در نتیجه در سند ۲۰۳۰ و مطابق با اهداف اعلام شده آن در همه ارکان حیاتی و کلیدی یک جامعه باید تغییراتی برای تحقق این اهداف ایجاد شود. در واقع ۲۰۳۰ یک نوع بازطراحی نظم اجتماعی در جوامع هدف با محوریت بخش‌های زیر است:

۱. نظام تأمین اجتماعی و رفاهی
 ۲. بخش کشاورزی
 ۳. بخش بهداشت، درمان و سلامت
 ۴. بخش آموزش
 ۵. زنان و خانواده
 ۶. بخش آب و انرژی و اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی
 ۷. اشتغال
 ۸. بخش‌های زیرساختی و فناوری‌های تولیدی
 ۹. شهرها و محل‌های سکونت
 ۱۰. الگوهای تولید و مصرف
 ۱۱. محیط زیست و تغییرات اقلیمی
 ۱۲. فرهنگ با محوریت ترویج فرهنگ صلح‌جویی
 ۱۳. بازسازی نظام اجتماعی برای تحقق عدالت
 ۱۴. نهادسازی و ایجاد مؤسسات جدید
- در نتیجه ۲۰۳۰ در واقع جامعه مطلوب نظریات توسعه غربی را دنبال کرده و به دنبال ساختن آن در کشورهای هدف است.

محورها و موارد مورد تأکید در سند ۲۰۳۰

سند ۲۰۳۰ با سخن نخست آغاز می‌شود و مضمون سخن نخست آن یکی از خصلت‌های متمایز این سند است. چراکه در همان آغاز به روشنی و به زبانی شفاف نیک‌بختی افراد، تقویت صلح جهانی در سایه



آزادی‌های بیشتر و ریشه‌کنی فقر را از دلایل تدوین سند می‌شمارد. سند در همان ابتدا بر سه هدف ویژه و خاص خود تأکید می‌کند. «رعایت حقوق بشر برای همه، تحقق تساوی جنسیتی برای همه و توانمندسازی همهٔ زنان و دختران» این اهداف بارها و بارها در جای‌جای سایر بندهای سند نیز تکرار شده تا اهمیت و محوریت آن معلوم شود.

سند سپس پیرامون پنج مفهوم مردم، کره زمین، نیک‌بختی و رفاه، صلح و مشارکت دیدگاه مورد نظر سند را به صورت مختصر تشریح می‌کند. سپس در مقدمه‌ای که بر توافق همه کشورهای درخصوص سند اشاره دارد، به این موضوع می‌پردازد که «ما رؤسای دولت‌ها و کشورها و نمایندگان عالی‌رتبه که به مناسبت هفتادمین سالروز تأسیس سازمان ملل متحد، از ۲۵ تا ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۵ در مقر آن در نیویورک گرد هم آمده‌ایم، در مورد اهداف جدیدی برای توسعهٔ پایدار توافق کرده‌ایم». (سند ۲۰۳۰، ۱۳۹۴) بند دوم سند تعهد رهبران جهان به پیگیری سند را متذکر می‌شود و ضمن تکرار این تعهد در بندهای دیگر نسبت به پیگیری اهداف تصریح می‌کند.



سند سپس با توصیف جهانی عاری از فقر، تبعیض، ظلم و بیکاری به عنوان دیدگاه مشترک رهبران جهان نسبت به جهانی که باید تحقق یابد دنیای آرمانی و چشم‌انداز مورد نظر سند را تصویر می‌کند. «ما جهانی عاری از فقر، گرسنگی، بیماری و نیازمندی را تصور می‌کنیم جهانی که در آن همهٔ افراد، امکان شکوفایی و پیشرفت داشته باشند. ما جهانی عاری از ترس و خشونت را تصور می‌کنیم. ما جهانی را مدنظر داریم که در آن سوادآموزی همه‌گیر شده باشد...».

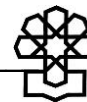
به دنبال آن سند در چهار بند اصول و تعهدات مشترک رهبران جهان را بر می‌شمارد. محور این اصول از یک سو «اصول و اهداف منشور سازمان ملل متحد و با احترام کامل به حقوق بین‌الملل .. است این دستور کار در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر، اعلامیه هزاره و سند پایانی اجلاس جهانی سران ۲۰۱۵» و از سوی دیگر نتایج اجلاس‌ها، کنفرانس‌ها و بیانیه‌های متعددی است که توسط سازمان ملل برگزار شده است.

پس از بیان توافق و تعهد همه رهبران جهان و دیدگاه و تعهدات مشترکات آنها، سند ۲۰۳۰ توصیفی از وضعیت جهان ارائه می‌کند. «ما در زمانی گردهم آمده‌ایم، که توسعه پایدار با چالش‌های زیادی روبه‌رو شده است. میلیاردها نفر از شهروندان ما همچنان در فقر زندگی می‌کنند و از زندگی‌ای که در آن کرامت انسانی آنها رعایت شود، محروم هستند. نابرابری در درون و در میان کشورها رو به افزایش است. نابرابری فرصت‌ها، ثروت و قدرت، بسیار زیاد است. نابرابری جنسیتی همچنان چالش عظیمی است. بیکاری، به‌ویژه بیکاری جوانان مشکل بزرگی است. تهدید سلامتی در جهان، تشدید بلایای طبیعی، افزایش جنگ، افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، تروریسم و بحران‌های بشردوستانه و جابه‌جایی اجباری انسان‌ها، تهدیدی برای پیشرفت و توسعه حاصل شده در سال‌های اخیر به‌شمار می‌آید...» (سند ۲۰۳۰، ۱۳۹۴)

سند پس از بیان چالش‌ها به فرصت‌ها و امکان‌های پیش روی جهان برای پیشرفت اشاره می‌کند و ضمن اشاره به تحقق برخی اهداف توسعه هزاره به ناکامی‌ها و عدم تحقق اهداف سند توسعه هزاره اشاره می‌کند و ویژگی خاص و منحصر به فرد سند ۲۰۳۰ را گسترده‌تر بودن اهداف آن، و وعده ایجاد جوامعی صلح‌جو و فراگیر می‌داند که ابزارها و راه‌های تحقق توسعه در این سند به‌دقت تشریح شده است.

در بند «۱۸» سند ۲۰۳۰ همکاری کشورها برای اجرای ۲۰۳۰ را نمونه اول از همکاری جهانی برای توسعه پایدار بر می‌شمارد و آن را همکاری از نوع برد - برد می‌داند. در همان حال بر حاکمیت مستقل و دائمی کشورها بر ثروت، منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی تأکید می‌کند. در نتیجه سند باید به گونه‌ای اجرا شود که «در راستای حقوق و تعهدات کشورها در ارتباط با حقوق بین‌الملل باشد».

در بندهای بعد بار دیگر بر بخشی از اهداف که در سند محوریت دارد از جمله رعایت حقوق بشر و تساوی جنسیتی دوباره تأکید می‌شود و سپس تاریخ اجرای سند را اول ژانویه ۲۰۱۶ تعیین می‌کند. سند ضمن تأکید بر توجه ویژه بر کشورهای توسعه‌نیافته و فقیر و همچنین اقشار آسیب‌پذیر به صورت مشخص اهداف هفده‌گانه را در بندهای مختلفی ذکر کرده و بر تحقق آنها تأکید می‌کند. ریشه‌کنی کامل فقر با استفاده از نظام تأمین اجتماعی، آموزش کیفی، ارتقای سطح بهداشت و رفاه جسمانی و روانی و به صورت خاص تعهد کشورها در خصوص تضمین «دسترسی جهانی به خدمات مراقبت‌های بهداشتی در امور جنسی و باروری، به‌ویژه با هدف تنظیم خانواده، اطلاع‌رسانی و آموزش برای همه» و درمان انواع بیماری‌ها، رشد اقتصادی پایدار، جامع و فراگیر، تقویت ظرفیت علمی و فناوری کشورها و حرکت به سمت الگوهای پایدارتر، تولید و مصرف، تضمین مهاجرت‌های امن و حق بازگشت مهاجران به کشورهای



و منع کشورها از انجام اقدامات یکجانبه اقتصادی مغایر با توسعه دیگر کشورها و توجه ویژه به تغییر اقلیم و تخریب محیط زیست و ایجاد جوامع صلح‌جو.

درخصوص روش اجرای سند علاوه بر اینکه ذیل هدف هفدهم به صورت خاص توضیح داده شده است در متن اصلی سند نیز مشارکت کشورها، سازمان‌های و بخش خصوصی و جامعه مدنی و همچنین اجرایی شدن بیانیه‌های بین‌المللی هم در تأمین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای سند و هم اجرای آن مورد تأکید قرار داده است. تعیین مجمع سیاسی عالی‌رتبه‌ای که زیر نظر مجمع عمومی سازمان ملل متحد فعالیت می‌کند به عنوان ناظر بر اجرای سند و پیگیری آن، تدوین شاخص برای نظارت بر میزان اجرایی شدن سند ۲۰۳۰ از دیگر موارد مورد اشاره است. سند قبل از بیان اهداف اصلی و فرعی بار دیگر از مردم جهان می‌خواهد که با کمک به تحقق اهداف ۲۰۳۰ به تغییر جهان کمک کنند. سند با اشاره به ارتباط اهداف اصلی و فرعی و تناسب آن با اولویت‌ها و اهداف ملی کشورها، از دولت‌ها می‌خواهد نسبت به رفع موانع و چالش‌های پیش روی سند اقدام کنند.

سند پس از شرح محورهای اهداف هفده‌گانه و روشن ساختن ابعاد آن در هدف هفدهم، سازوکارهای اجرایی سند را به صورت مشخص تعیین می‌کند. ابتدا منابع تأمین مالی اجرایی سند مشخص می‌شود. مهم‌ترین منبع مالی اجرای سند ۲۰۳۰ «تشویق کشورهای توسعه‌یافته به اجرای کامل تعهدات خود در زمینه کمک‌رسانی برای امر توسعه، از جمله ترغیب بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته برای اختصاص ۰/۷ درصد از درآمد ناخالص ملی به منظور ارائه کمک‌های رسمی برای توسعه ODA/GNI به کشورهای در حال توسعه و همچنین اختصاص بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از ODA/GNI به کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی. تشویق کشورهای تأمین‌کننده ODA کمک‌های رسمی برای توسعه به منظور اختصاص حداقل ۲۰ درصد از ODA/GNI به کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی» تأمین منابع از منابع مختلف و کمک به سامان‌دهی و بخشودگی دیون و همچنین ترویج سرمایه‌گذاری از دیگر منابع در نظر گرفته شده برای اجرای سند ۲۰۳۰ از جمله روش‌های تأمین منابع مالی اجرای سند است. پس از تصریح منابع مالی، سند درخصوص مسئله انتقال فناوری و فرایند آن بر مواردی اشاره کرده و بر اشتراک‌گذاری دانش در موارد مورد توافق تأکید می‌کند. «ترویج توسعه، انتقال و انتشار فناوری‌های بی‌عیب و معقول از منظر زیست‌محیطی به کشورهای در حال توسعه با شرایط امتیازی، ترجیحی و مطلوب برای کشور دریافت‌کننده فناوری، بر مبنای توافق‌های متقابل» و «راه‌اندازی کامل بانک فناوری و سازوکار ظرفیت‌سازی در علم، فناوری و نوآوری برای کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی تا سال ۲۰۱۷ و گسترش استفاده از فناوری توانمندکننده، به‌ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات» از دیگر موارد مورد تأکید سند است.

اولویت دیگری که مورد توجه سند است افزایش همکاری‌های بین‌المللی با هدف ایجاد ظرفیت در کشورهای در حال توسعه برای تحقق اهداف سند ۲۰۳۰ است. تأکید بر ترویج تجارت جهانی در جهان،

افزایش دو برابری صادرات کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۲۰ و «اجرای به‌موقع و مناسب طرح دسترسی بدون مالیات و بدون سهمیه به بازار، برای کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی در راستای تصمیمات سازمان تجارت جهانی، از جمله از طریق: تضمین شفافیت و سادگی قواعد ترجیحی کشور مبدأ در خصوص واردات کالا از کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی، که باعث تسهیل دسترسی به بازار می‌شود».

سند ۲۰۳۰ سپس بر سه موضوع ارتقای ثبات اقتصادی، انسجام سیاسی و احترام به حاکمیت سیاسی به‌عنوان موضوعات نظامند تأکید می‌کند. تأکید بر مشارکت ذی‌نفعان به‌خصوص کسانی که در «کشورهای در حال توسعه، به بسیج و به اشتراک‌گذاری دانش، تخصص، فناوری و منابع مالی کمک می‌کنند» از دیگر محورهای سند است.

ایجاد ظرفیت برای نظام داده‌های آماری دقیق از وضعیت کشورهای در حال توسعه محور دیگر مورد تأکید در سند است. به این ترتیب سند ۲۰۳۰ فقدان نظام اطلاعات و آمار را یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی پایش و نظارت بر اجرای سند می‌داند. سند بار دیگر بر مشارکت بازسازی شده همه کشورهای جهان به‌عنوان ابزار اصلی اجرای سند تأکید می‌کند.

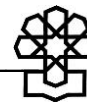
سند در نهایت با تعیین سازوکار بازبینی و پیگیری به پایان می‌رسد. تأکید بر پیگیری و بازبینی داوطلبانه، در نظر گرفتن واقعیت‌ها و اولویت‌های ملی به‌خصوص بازده فرایندهای ملی، جنسیت‌محور و مردمی بودن فرایندها، حمایت بین‌المللی، استفاده از شاخص‌های جهانی در کنار سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی سازوکار مورد نظر سند در این موضوع است. عالی‌ترین سطح نظارت بر اجرای سند در سطح بین‌المللی انجام می‌شود.

«عملیات پیگیری و بازبینی در مجمع سیاسی عالی‌رتبه، از گزارش پیشرفت سالیانه در زمینه تحقق اهداف توسعه پایدار بهره می‌گیرد. این گزارش توسط دبیرکل سازمان ملل متحد در همکاری با نظام ملل متحد، بر مبنای چارچوب جهانی شاخص‌ها و داده‌های نظام‌های ملی آماری کشورها و اطلاعات گردآوری شده در سطح منطقه‌ای تهیه می‌شود. علاوه بر گزارش یاد شده، مجمع سیاسی عالی‌رتبه، اطلاعات مورد نیاز خود را از گزارش جهانی توسعه پایدار نیز به‌دست می‌آورد».

چالش‌ها و ابعاد پنهان سند ۲۰۳۰

آنچه از ظاهر سند ۲۰۳۰ و محتوای مورد تأکید آن بر می‌آید، این است که سند ۲۰۳۰ تلاشی است برای رفع فقر و توسعه‌نیافتگی و پیامدهای متعدد آن در جهان. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که مشکل این سند چیست؟ و با چه چالش‌ها و مسائلی مواجه است؟

بدیهی است که هیچ‌کس و هیچ گروه و دولتی با بخش عمده اهداف اعلام شده در سند ۲۰۳۰



مخالف نیست. نه تنها مخالف نیست، بلکه در بسیاری از کشورها برای تحقق این اهداف انقلاب اجتماعی و سیاسی رخ داده و بسیاری از کشور خود پیگیر این اهداف هستند. اما آنچه سند ۲۰۳۰ را دچار چالش و مسئله می‌کند، ابعاد پنهان این سند است که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. بی‌توجهی به نقش نظم ناعادلانه بین‌المللی و کشورهای توسعه‌یافته در عدم توسعه سایر کشورها

سند ۲۰۳۰ علت توسعه‌نیافتگی، فقر و عقب‌ماندگی در کشورهای توسعه‌یافته را به عوامل و متغیرهای درونی و داخلی این کشورها مرتبط کرده و هیچ اشاره‌ای به نقش مخرب و منفی کشورهای توسعه‌یافته در استعمار و استثمار تاریخی این کشورها، غارت منابع آنها و ممانعت از استقلال سیاسی و اقتصادی آنها نمی‌کند. در واقع سند به شکل پنهانی این مورد را نهان ساخته و بر سایر عوامل تأکید می‌کند. علاوه بر بی‌توجهی به این مسئله سند ۲۰۳۰ با تأکید بر حقوق بین‌الملل و نظم بین‌الملل موجود عملاً در راستای تثبیت بی‌عدالتی موجود در نظم بین‌الملل است. در واقع ۲۰۳۰ تداوم وضعیت فعلی نظام بین‌الملل است که حاصل آن توسعه‌نیافتگی و عقب‌ماندگی بسیاری از کشورها و شکست تلاش‌های آنها برای دستیابی به پیشرفت و توسعه است.

سند ۲۰۳۰ به فقر و چالش‌ها و مسائل آن اشاره می‌کند، اما هیچ اشاره‌ای به تبعیض و بی‌عدالتی حاکم بر جهان که نتیجه و ثمره مستقیم استعمار و استثمار کشورهای توسعه‌یافته به دست کشورهای توسعه‌یافته بوده است نمی‌کند. در این سند اشاره به اینکه «تزدیک به بیست کشور در جهان امروز (کشورهای غربی، ژاپن، استرالیا و نیوزیلند) آشکارا از هر کشور دیگر ثروتمندترند و در رأس این گروه آمریکا، کانادا، سوئد و سوئیس با بالاترین تولید ناخالص ملی در جهان قرار دارند» (گیدنز، ۱۳۹۵) نمی‌شود. اشاره‌ای به این حقیقت که «اگر ثروتمندترین چهل کشور و فقیرترین چهل کشور جهان را که (هریک حدود یک‌چهارم بشریت را تشکیل می‌دهند) در نظر بگیریم، در می‌یابیم که گروه دوم حدود ۵ درصد تولید ناخالص داخلی ملی گروه نخست را تولید می‌کند. به عبارت دیگر جمعیت این چهل کشور ثروتمند دنیا دارای یک کیک به اندازه بیست برابر سهمی است که میان همین تعداد از فقیرترین ملت‌ها تقسیم می‌شود. این شکاف به جای آن که کمتر شود در حال حاضر افزایش می‌یابد» (گیدنز، ۱۳۹۵) نمی‌شود.

سند هیچ توجهی به تحلیل‌هایی که بر نقش نظام سرمایه‌داری طبقاتی ناعادلانه جهانی بر توسعه‌نیافتگی کشورها دارد نمی‌کند و در عوض مبلغ بسیار اندک کمک‌های مالی کشورهای توسعه‌یافته را به عنوان منبع اصلی توسعه کشورهای توسعه‌نیافته معرفی کرده و بر نقش مثبت و مؤثر این کمک‌ها تأکید می‌کند. گویی سند ۲۰۳۰ اساساً با هدف پنهان کردن نقش مخرب و منفی کشورهای توسعه‌یافته و نظام ناعادلانه بین‌المللی بر توسعه‌نیافتگی سایر نقاط جهان نوشته و به تصویب رسیده است.

۲. بسط پنهان ارزش‌های لیبرال در اهداف اجتماعی و فرهنگی

سند ۲۰۳۰ اگرچه بر محوریت حقوق بشر و اسناد و معاهدات بین‌المللی در تنظیم سند تأکید می‌کند، اما نگاهی به اهداف اجتماعی و فرهنگی سند نشان می‌دهد که منظور از حقوق بشر همان بسط اهداف و ارزش‌های لیبرالی در سایر نقاط جهان است. سند ۲۰۳۰ اگرچه بر حاکمیت ملی کشورها در اجرای سند تأکید می‌کند، اما این حاکمیت بیشتر سیاسی است تا فرهنگی و اجتماعی.

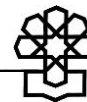
در بارزترین نمونه از اهداف ۲۰۳۰ در موضوعات اجتماعی و فرهنگی یعنی تساوی جنسیتی، سند با محور قرار دادن تفسیرهای لیبرالی از تساوی جنسیتی اجرای آن را در جهان پیگیری می‌کند. در نتیجه سند عملاً با نام توسعه و مقابله با فقر و توسعه‌نیافتگی، به بسط ارزش‌های لیبرال در حوزه اجتماعی و فرهنگی اقدام می‌کند. در واقع برابری زن مرد در این سند به تشابه و شبیه هم بود زن و مرد تفسیر شده و از همین زاویه نیز ارزش‌های لیبرالی و نظام حقوقی مبتنی بر آن هدف سند در نظر گرفته شده است.

بارزترین نمونه این مسئله آموزش جنسی به اسم افزایش آگاهی‌های جنسی جهت مراقبت جنسی در میان نوجوانان و دانش‌آموزان است که در واقع و در عمل ترویج روابط آزاد است که براساس ارزش‌های لیبرال در جوامع مختلف تبلیغ می‌شود. در نتیجه سند عملاً در نقش اسب تروا عمل می‌کند و با ظاهر توسعه زمینه لازم برای ترویج ارزش‌های لیبرال را در جوامع مختلف فراهم می‌سازد.

نگرانی‌هایی که بر محور نفوذ، بسط سبک زندگی غربی، تربیت نیروهایی که به لحاظ ذهنی هم‌دل جریان‌های غربگرا هستند و ایجاد ذهنیتی که هرگونه پیشرفت و توسعه را در ارتباط و پیروی از کشورهای توسعه‌یافته غربی می‌داند، به دلیل پیامدهای اجرایی شدن این محور در کشورهای هدف ایجاد شده است.

۳. ناممکن‌نمایی مسیرهای میان‌بر و کوتاه توسعه

یک وجه مهم دیگر سند توسعه ۲۰۳۰ که البته در سند اهداف توسعه هزاره نیز به چشم می‌خورد، بی‌توجهی به تجربه برخی از کشورهای جهان است که در فاصله و مدت زمان کوتاه توانسته‌اند مسیر توسعه را طی کنند. سند با تأکید بر فرایند بلندمدت توسعه و رفع فقر در جوامع مختلف عملاً امکان طی سریع‌تر و پرشتاب‌تر فرایندهای توسعه را در میان کشورهای در حال توسعه منتفی می‌کند. به این ترتیب بازی دستیابی به توسعه‌ای موهوم و وعده داده شده در اسناد که هر ۱۵ سال یکبار با عناوین مختلفی ارائه می‌شود عملاً نظام محاسباتی و برنامه‌ریزی کشورها در پیگیری برنامه‌های داخلی خود برای توسعه هم مختل می‌کند. در نتیجه سند نه تنها دستاوردی برای کمک به فرایند توسعه ندارد، بلکه با ایجاد اختلال در نظام محاسباتی و فکری کشورهای مقصد فرایندهای درونی آنها برای توسعه را نیز مختل می‌کند.



۴. بزرگنمایی کمک‌های حداقلی

علی‌رغم نقش مخرب و تأثیر زیان‌بار کشورهای پیشرفته و عمدتاً غربی در عدم توسعه کشورهای توسعه‌نیافته آنچه در سند ۲۰۳۰ از نقش‌آفرینی کشورهای پیشرفته برای کمک به توسعه کشورهای توسعه‌نیافته گفته می‌شود در کنار اغراق کمک‌های ناچیز این کشورها بدون هرگونه ضمانت اجرایی، این است که از حداقل امکان‌های موجود درخصوص کمک به توسعه این کشورها نیز به‌صورت غیرقطعی سخن می‌گوید. مثلاً یکی از مواردی که تأثیر منفی و مخرب بر توسعه کشورهای توسعه‌نیافته دارد فشار ناشی از بدهی‌ها و بازپرداخت وام‌هایی است که از نهادهای بین‌المللی یا کشورهای توسعه‌یافته دریافت کرده‌اند. سند در این باره صرفاً بر تلاش برای کاهش این فشارها و سامان‌دهی بازپرداخت بدهی‌ها اشاره می‌کند بدون آنکه برای این متغیر مهم و تأثیرگذار برنامه مشخص و معینی را ارائه کند. با این حال به کمک‌های حداقلی بدون ضمانت اجرای کشورهای غربی در بخش‌های مختلف سند اشاره شده و آن را به‌عنوان یکی از ارکان اجرایی سند نام برده است. این بزرگنمایی در کنار عدم اشاره به نقش کشورهای توسعه‌یافته در عدم توسعه سایر کشورها و همچنین عدم توجه و برنامه جدی به نقش عواملی چون بازپرداخت دیون و بدهی نشان می‌دهد که سند از چشم‌انداز یکجانبه و از موضع کشورهای توسعه‌یافته تدوین شده و هدف پنهان آن نیز تأمین منافع این کشورهاست.

۵. زمینه‌سازی برای کنترل بیشتر کشورهای در حال توسعه

سند ۲۰۳۰ فقدان نظام آماری و عدم دسترسی به اطلاعات را یکی از دلایل اصلی عدم تحقق اهداف مورد نظر برنامه‌های توسعه دانسته و بر ضرورت و فوریت ایجاد و دسترسی به چنین نظام آماری در کشورهای مختلف تأکید می‌کند.

ایجاد نظام آماری و دسترسی به داده‌های کشورهای مختلف همواره یکی از ابزارهای بسط سلطه و کنترل این کشورها توسط کشورهای استعمارگر بوده است. به‌نظر می‌رسد محوریت یافتن نظام اطلاعات و آمار و مخصوصاً تأکید بر دسترسی سازمان‌های بین‌المللی بر این آمار نیز از پیامدهای پنهان فراهم ساختن زمینه‌های کنترل بیشتر، بهتر و راحت‌تر بر کشورهای در حال توسعه ذیل پوشش اجرای برنامه‌های توسعه باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سند ۲۰۳۰ به‌عنوان آخرین سند بین‌المللی توسعه و آخرین تلاش سازمان‌های بین‌المللی برای پیگیری الگوهای توسعه در کشورهای در حال توسعه دارای اهداف، محورها و حتی محتوا و مضمونی است که به‌ظاهر با هدف کمک به این کشورها و دستگیری و حمایت از آنها تهیه شده است.

با این حال جنبه‌های پنهان سند نشان می‌دهد که نتیجه اجرایی شدن این سند وابستگی هرچه بیشتر کشورهای در حال توسعه، از دست رفتن استقلال اقتصادی، سیاسی و علمی و فرهنگی بدون

تحقق عینی و ملموس اهداف وعده داده شده است. همان‌طور که تجربه اجرای اسناد بین‌المللی در ادوار گذشته به‌خصوص از دهه ۱۹۵۰ میلادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد نتیجه اجرای این برنامه‌ها توسعه تک‌بعدی و یک‌سویه، گسترش انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی، ایجاد چالش‌های غیرقابل جبران زیست‌محیطی و فرهنگی بوده و علاوه بر مسئله فقر بسیاری از این کشورها را با چالش‌های غیرقابل جبران جدیدی نیز مواجه ساخته است.

سند ۲۰۳۰ علی‌رغم ظاهر بی‌طرفانه و حتی همدلانه آن با کشورهای در حال توسعه، علاوه بر اینکه برمبنای پذیرش منطق جاری نظام بین‌الملل و نظم موجود جهانی تدوین شده است که براساس نتایج بسیاری از تحقیقات مهم علمی نظمی ناعادلانه، تبعیض‌آمیز و به‌صورت خاص به نفع نظام سرمایه‌داری و کشورهای توسعه‌یافته است، از جهت ارزشگذاری‌های فرهنگی و بسط ذهنیت فرهنگی نیز ارزش‌های لیبرال را ذیل مفاهیم حقوق بشر، تساوی جنسیتی، توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر و... به‌عنوان اصول جهانی مبنا قرار داده و در کشورهای مختلف جهان زمینه‌های اجرایی شدن آنها را فراهم می‌کند.

به این ترتیب سند ۲۰۳۰ در واقع سندی است که چشم‌اندازها و رویکردهای کشورهای توسعه‌یافته را در قالب مفاهیم و مضامینی که آرزوها و خواست‌های کشورهای در حال توسعه و مردمان این کشورها را پوشش می‌دهد، به‌عنوان راه و روش توسعه به دیگر کشورهای جهان پیشنهاد و از آنها می‌خواهد که اولویت‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های ملی و داخلی خود را براساس این نقشه راه و این چشم‌انداز تنظیم و تدوین نمایند. به این ترتیب آرزوی دیرینه تحقق جهانی یکپارچه و واحد با محوریت کشورهای غربی و اقتصاد سرمایه‌داری و نظام سیاسی - فرهنگی لیبرال یک گام بیشتر به تحقق نزدیک می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. آرمان‌ها و اهداف توسعه هزاره، ترجمه سیدمهدی آرابی و همکاران. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴.
۲. آشتیانی، منوچهر. پیشرفت، توقف‌ناپذیری، غیرقابل برگشت بودن، سوره اندیشه، شماره ۱۴، ۱۳۹۲.
۳. اهداف توسعه هزاره و اهداف توسعه پایدار، پوراصغر سنگاچین، فرزام. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، ۱۳۹۴.
۴. اصل چهار ترومن و گستره فعالیت آن در ایران، ساجدی، عبدالله. پیک نور، ش دوم، ۱۳۸۷.
۵. آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با اقشار و گروه‌های مختلف سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹.
۶. کچوییان، حسین. تجدد، توسعه و ویرانگری. ماهنامه سوره، ش ۵۳، ۱۳۹۰.
۷. دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، ترجمه مهرناز پیروز نیک و همکاران، کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۹۵.
۸. بیانیه اینچوئن و چارچوب عمل برای اجرای هدف چهارم، کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۹۵.
۹. چارچوب عمل ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران، کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۹۵.



شماره مسلسل: ۱۷۲۵۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ابعاد پنهان و محورهای سند ۲۰۳۰.۱ بررسی سند دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار

نام دفتر: گروه توسعه نظری و مطالعات بنیادین

تهیه و تدوین کنند: سینا کلهر

ناظر علمی: عطا... رفیعی آتانی

مدیر مطالعه: _____

واژه کلیدی:

۱.. توسعه

۲. ۲۰۳۰

۳. ابعاد پنهان



تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۹/۱۱